نیمه پنهان کشمیر – ۱۵

حال و هوای مبارزه در نزدیک‌ترین فاصله با هندی‌ها

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

مغازه داران کرکره‌هایشان را پایین کشیدند، من هم به طرف خانه دویده فریاد زدم: مادر نیروهای جبهه آزادی‌بخش جامو و کشمیر آمده‌اند، قصد دارند به یک کاروان از نیروهای هندی حمله کنند، تونگا هم آنجاست اما نمی‌تواند جلوی فرمانده ارشد را از این عملیات بگیرد، ما باید سریعا از این‌جا فرار کنیم. همه مضطرب و دستپاچه شدند، مادر آستین‌هایش را بالا زد و از همه خواست ساکت و آرام شوند. او در نقش یک خانم معلم ظاهر شد و همه به حرف‌هایش گوش دادند. او طلا و جواهرات خواهرش که در خانه ما نگهداری می‌شد را در جایی پنهان کرد.

پدر بزرگ تمام مدارک شخصی اسناد و مدارک رسمی، پول گذرنامه‌ها را در داخل کیفی ریخت، ما آماده شدیم که از در دیگری که از باغچه سبزی و چمن‌زار می‌گذشت خانه را ترک کنیم.

مادر ناگهان گفت: کتاب‌ها را چکار کنیم؟ ما به هم نگاه کردیم، پدر کتابخانه را طی سالیان متمادی درست کرده بود. هر کتابی شماره‌ای داشت و اسم پدر با خط خودش یا خط زیبای مادرم روی آن نقش بسته بود.

من در کتابخانه پدرم اوقات طولانی را به مطالعه می‌پرداختم. کتاب‌های نویسندگان بزرگ روس که توسط «شر مردم» با جلد «گالینگور» توسط حزب کمونیست هند در بازارهای موبایلی فروخته می‌شد وجود داشت.

کتابخانه پدر همچنین حاوی کتاب‌هایی از رمان‌نویسان بزرگ آمریکایی و اروپایی با جلد کاغذی بود کتاب‌های زیادی هم از نویسندگان بزرگ اردو زبان از جمله پرم چند، مانتو، غالب، اقبال و فیض احمد فیض دیده می‌شد. البته کتاب‌هایی هم در زمینه تاریخ، حقوق، مذهب، و سیاست در آسیای جنوبی بچشم می‌خورد.

زیباترین کتاب‌های پدرم مجموعه کامل کارهای «ویلیام شکسپیر» بود که با جلد چرمی و صفحات طلاکوب شده بود. کتاب‌هایش کتاب‌های مردی خود آموخته بود کتاب‌هایی که شخصیت او را شکل دادند به او کمک کردند که زندگی‌اش را بسازد.

رو جلد و صفحات کتاب‌ها، تماس انگشتانم بر روی فونت‌ها، احساس لطیف صفحه کتاب‌ها، شیفته و مسحور شدن در محتوای داستان‌ها مرا به پدرم نزدیک می‌کرد و باعث می‌شد من با دنیای جادویی او شریک شوم.

ما مجبور بودیم کتاب‌ها را در خانه بگذاریم و آنجا را ترک کنیم، پدر قرار بود به‌زودی به خانه بیاید، مادر بزرگ فقط به در ورودیِ خانه نگاه می‌کرد، او مدام تکرار می‌کرد: «پیر صاحب ممکن است هر لحظه از راه برسد».

پدر معمولا قبل از غروب آفتاب خود را به خانه می‌رساند چرا که بعد از غروب آفتاب و شب هنگام مقررات منع آمد و شد اعمال می‌شد و رفت و آمد در این وقت بسیار خطرآفرین و نگران‌کننده بود.

مادر با صدای بلند به مادربزرگ گفت: خدا پشتیبان او خواهد بود، تو با نگاه کردن به در نمی‌توانی کاری انجام‌دهی سپس در را بست.

همسایه‌ها با چند کیف در محوطه حیاط ایستاده بودند. پدر بزرگ غرغرکنان داد زد: چرا معطلید، پس الان منتظر چی هستید؟

ما یواش‌یواش شروع به حرکت کردیم، به‌زودی قدم زدن تبدیل به دویدن شد، امیدوار بودم پدر از این حمله آگاهی پیدا می‌کرد و از آنجا دور می‌شد.

با شنیدن اولین صدای گلوله ما حدودا ۵۰۰ متر با رودخانه فاصله داشتیم. بعضی سرعت‌شان را زیاد کردند. برخی دیگر در مزرعه نشسته یا دراز کشیدند، هرچند ثانیه ما صدای ترق وتُروق گلوله‌ها را می‌شنیدیم. صدای کلاشینکوف‌های مبارزین با صدای تفنگ‌های نیروهای هندی کاملا متفاوت بود.

امیدوار بودم کسی در این حمله کشته نشود و سربازان خانه ما را به آتش نکشند، چیز باارزشی در خانه بجز یک تلویزیون سیاه و سفید یک رادیو ژاپنی، دوربین پولاروید من که پدر در سال ۱۹۸۷ وقتی به حج رفت آن را برایم خرید نداشتم.

روستای ما به سرعت در حال تخلیه بود و همه به طرف روستای «نامبل» در حال حرکت بودند.

این روستا در میان مزارع برنج و رود «لیدر» که شاخه‌ای از رودخانه جهلم است واقع شده است. آب‌هایِ آبی و سبز رودخانه لیدر با جوش و خروش‌هایش از میان مزارع عبور می‌کرد.

علف‌های وحشی از کناره‌های رود سر برآورده، شاخه‌های درختان بید مجنون در دست باد به این طرف و آنطرف پیچ‌وتاب می‌خوردند، شَلتوک‌های برنج طلایی شده و کوه‌های بلند در دوردست‌ها صبورانه نظاره‌گر ما بودند، در آسمان آبی عقاب‌ها و کلاغ‌ها بی‌اعتنا به همه چیز بالای سرما می‌چرخیدند و با طبیعت خودشان مانوس بودند.

با شنیدن اولین صدای گلوله ما حدودا ۵۰۰ متر با رودخانه فاصله داشتیم. بعضی سرعت‌شان را زیاد کردند. برخی دیگر در مزرعه نشسته یا دراز کشیدند، هرچند ثانیه ما صدای ترق وتُروق گلوله‌ها را می‌شنیدیم. صدای کلاشینکوف‌های مبارزین با صدای تفنگ‌های نیروهای هندی کاملا متفاوت بود. پسر همسایه ما «منظور» با شنیدن صدا تشخیص می‌داد گلوله‌ها از چه جهتی دارند شلیک می‌شوند. «این صدا متفاوت است، اکنون این نظامی‌ها هستند که دارند شلیک می‌کنند، به نظرمی‌رسد مبارزین تیراندازی را قطع کرده اند».

در همین حین پدر ساکت او، سیلی آرامی به صورتش نواخت. وقتی ما به «نامبل» رسیدیم هنوز تیراندازی ادامه داشت. تمام درهای خانه‌ها به روی ما باز بود. مشخص نبود که ما وارد خانه چه کسی شده‌ایم. در هر حال وارد اتاقی شدیم برخی دیگر از اهالی روستای ما قبلا به این‌جا آمده بودند آنها آرام به دیوار تکیه داده و در حال صرف چای بودند.

همچنان که پدر بزرگ و به‌دنبال آن تمام اعضای خانواده وارد اتاق شدند دو مرد جوان بلند شده و جایشان را به آنها دادند، یکی از آنها پشتی که به آن تکیه داده بود برداشت و به پشت پدر بزرگ گذاشت. پدر بزرگ به آنها اعتراض کرد و گفت: الان وقت این کارها و تشریفات نیست. چای آوردند، صدای ضعیف تبادل آتش همچنان به گوش می‌رسید هیچ‌کس حرفی نمی‌زد، پس از مدتی دیدم پدر بزرگ و چند نفر دیگر بیرون رفتند. من هم آنها را دنبال کردم، ما داشتیم در جهت روستایمان نگاه می‌کردیم. از آنجا چیزی جز درختان، چند مناره و کوه دهکده پیدا نبود ما در افق دنبال علائم و آثاری از دود و شعله آتش بودیم. زمان زیادی نمی‌برد تا باروت دهکده‌ای را بسوزاند، من چیزی جز تاریک شدن آسمان نمی‌دیدم.

پیش خودم تصور کردم مردم یک اتوبوس محلی را در همسایگی یک روستا متوقف کرده و به راننده می‌گویند که یک درگیری نظامی در حال وقوع است و بدین ترتیب او را وادار به برگشت کردند، تصور کردم پدر که روزنامه‌ها و پرونده‌های اداری‌اش را در دست دارد از اتوبوس پیاده شده و احتمالا در خانه برخی آشنایان اقامت کرده است. اما وقتی برای اولین بار کاملا فهمیدم پدر چگونه هر هفته برای دیدن ما خطرات جاده را به جان می‌خرید اشک از چشمانم سرازیر شد. تیراندازی‌ها متوقف شده بود ما آن شب را با غریبه‌ها در نامبل گذراندیم.

صبح روز بعد تمام روستائیان با ترس و اضطراب شروع به بازگشت کردند.

خانه ما سرجایش بود بدون اینکه کسی به آن دست بزند! آنجا و همان موقع بود که من متوجه ارزش واقعی خانه سه طبقه خودمان شدم. من همیشه آن را دست کم می‌گرفتم و قدرش را نمی‌دانستم.

اما آن خانه تنها خانه من بود، من به حیاط خانه دویدم پدر در ایوان ایستاده بود. او گفت: «من هنگام آمدن توی راه از ماجرا ی حمله با خبر شدم و درآنانتناگ در خانه محمد امین ماندم».

من با او دست دادم برادر کوچک‌ترم وجاهت به پدر گفت: بشارت گریه کرده است. پدر چنین وانمود کرد که این حرف را نشنیده است، ما به تمام اتاق‌ها رفتیم ببینیم آیا به جایی خسارت وارد شده است یا نه، فقط چند گلوله به سقف اتاق پدر اصابت کرده و چند گلوله دیگر همچنان به دیوار چسبیده بود.

پدربزرگ آنها را با انبر دست بیرون کشید ما چند لحظه به آنها نگاه کردیم و سپس آنها را بیرون انداختیم. برخی از عادت‌های قدیمی که جنگ و درگیری روی آنها هیچ تاثیری نداشت ادامه پیدا کرد. بعد از ظهر پدر طبق معمول در اتاق پذیرایی نشسته بود. چند کتاب و سماور چایی که در کنارش قُل‌قُل می‌کرد. بعضی اوقات هم یکی از دوستان یا آشنایان به ما سر می‌زد و داستان‌های شبانه‌ای که روایت می‌شدند.

بینابین این داستان‌ها و روایت‌ها پدر چند شعر را قرائت می‌کرد و به من و برادرم می‌گفت: «هر کسی بتواند آنها را تفسیر و معنی کند ۵ روپیه جایزه دارد».

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۸۷

اجماع جدید

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

فصل یازدهم

هنرمند باید مرتجع باشد. او باید در برابر رویه حاکم بر عصر خویش بایستد و پا پس نکشد؛ او [حداقل] باید کمی مخالفت کند. [حتی اگر هنرمندان بزرگ سبک ویکتوریا به ضد ویکتوریا تبدیل شوند؛ علی‌رغم فشارها، خودت باش و همرنگ نشو]

ایولین وو

من غرب را انتخاب می‌کنم.

دوایت مک‌دونالد، ۱۹۵۲

کمیته آزادی فرهنگی آمریکا در ژانویه ۱۹۵۱ در نیویورک تأسیس شد، صحنه گردان اصلی آن سیدنی هوک بود، شخصی که اولین رئیس آن شد، همان فردی که به گفته لورنس دو نوفویل «مشاور قراردادی» سازمان سیا بود. نفر بعدی ایروینگ کریستول یکی دیگر از دانش آموختگان دانشکده نیویورک سیتی در کسوت مدیر اجرائی [کمیته] بود که به خاطرش سالانه ۶۵۰۰ دلار حقوق دریافت می‌کرد. این مبلغ در سال ۱۹۵۴، یعنی هنگامی که سول اشتاین جایگزین کریستول شد، به ۸۵۰۰ دلار افزایش پیدا کرد. او مستقیم از سرویس اطلاعات آمده و آنجا در واحدی که برای تحلیل ایدئولوژیکی اختصاص یافته، کار کرده بود. کمیته به عنوان شعبه آمریکایی رسمی کنگره، قرار بود نشانگر ائتلاف گسترده گروه‌های لیبرال و چپ که سازمان میزبان را تشکیل می‌دادند باشد. اما در جایی که کنگره قادر بود فعالین تندرو خود همچون کستلر را به حاشیه براند، چنین قدرتی بر کمیته آمریکایی، که به زودی به دو قسمت مساوی میان معتدل‌ها وستیزه‌جویان تقسیم شد را نداشت.

آرتور شلزینگر، راینهولد نیبور (تئوریسین جنگ سرد)، جیمز تی فارل، ریچارد رووِر (نیویورکر)، رئیس سابق حزب سوسیالیست و ۶ بار نامزد ریاست جمهوری نورمن توماس و ویراستار «پارتیزان ریویو»، فلیپ راو، عناصر میانه‌رو کمیته آمریکایی بودند. این افراد هم بین دو جناح در نوسان به نظر می‌رسیدند.

جیسون اپستاین توضیح می‌دهد: «در آن ایام شما نسبت به کمونیسم یا سخت بودی یا نرم». او دایانا تریلینگ را به خاطر دارد که با حالتی آمیخته به بوی نفسانیت «پشت صندلی لیون تریلینگ ایستاد و گفت «هیچ کدام از شما مردان به اندازه کافی برای من سخت نیستید» آن‌ها واقعا افراد مسخره‌ای بودند که در دنیای کوچک و بی‌ارزش خود زندگی می‌کردند».

زندگی در چنین دنیای پستی با زوج تریلینگ، ترکیب قدرتمندی از روشنفکران سنت‌گرا را می‌ساخت. این روشنفکران از محله آپر وست ساید که به شوخی از آن به عنوان «کیبوتص» (جوامع واحدهای کشاورزی در اسرائیل) یاد می‌شد، آمدند؛ شامل جیمز برنهام، آرنولد بیکمن، پیتر ویرک (که پدرش از طرفداران بدنام فاشیست بود)، کلمنت گرینبرگ، منتقد [آثار] هنری و الیوت کوهن سردبیر مجله کامنتری و مشاور غیررسمی مدیران انتشارات لوس در حوزه کمونیسم.

آن‌ها، هم در سبک و هم در محتوا کاملاً ضدکمونیستی بودند. ایروینگ کریستول به خاطر می‌آورد: «برخی افراد مثل بیچمن و زوج تریلینگ (بیشتر دایانا) دیوانه‌وار طرفدار آمریکا بودند و فکر می‌کردند که ما داریم کم‌کاری می‌کنیم و آن‌طور که باید به وظایف خود عمل نمی‌کنیم. دایانا به‌خصوص خیلی تند بود. یک خودی دیگر به یاد دارد «یک نوع حس برتری‌جویی خارج از معمول در بین بسیاری از آمریکایی‌ها» وجود داشت: «ما جنگ را برده‌ایم، اکنون می‌خواهیم به روش خودمان اروپا را سازماندهی کنیم. این افراد عمدتاً تفنگ به دستان نیویورکی بودند که اعتقادی به نرمش نداشتند و به ما به عنوان کسانی که در جاده پست مماشات حرکت می‌کنیم، نگاه می‌کردند. برخی حتی فکر می‌کردند که کنگره مورد نفوذ کمونیست‌ها قرار گرفته است!

آرتور شلزینگر، راینهولد نیبور (تئوریسین جنگ سرد)، جیمز تی فارل، ریچارد رووِر (نیویورکر)، رئیس سابق حزب سوسیالیست و ۶ بار نامزد ریاست جمهوریِ نورمن توماس و ویراستار «پارتیزان ریویو»، فلیپ راو، عناصر میانه‌رو کمیته آمریکایی بودند. این افراد هم بین دو جناح در نوسان به نظر می‌رسیدند: ایروینگ کریستول (شخصی که بعداً به یک ریگانایت دوآتشه تبدیل شد)؛ ویراستار دیگر پارتیزان ریویو، ویلیام فلیپس و سیدنی هوک.

هوک به ویژه علاقه داشت بین دو گروه صلح برقرار کند: او در این زمان همراه با والتر بدل اسمیت (که آلن دالس در سال ۱۹۵۳ جایگزین او شد) و گوردون گری، اولین مدیر هیئت راهبرد روانشناختی (هوک در خاطرات خود به این دیدارها اشاره‌ای نکرده) درحال تبلیغ منافع کمیته بود. این تماس‌ها با مأموران اطلاعاتی سطح بالا گواهی بر دخالت آگاهانه در جنگ فرهنگی مخفی به شمار می‌آمد که هوک هرگز حاضر نشد به آن اعتراف کند.

مقاله او در مجله نیویورک تایمز در مارس ۱۹۵۱ با عنوان «مقابله با دروغ بزرگ-یک راهبرد اساسی» توسط PSB، سی دی جکسون و سازمان سیا ساخته و پرداخته شده بود. او کمونیسم بین‌الملل را تهدیدی برای دموکراسی توصیف کرد و گفت: «ما باید در دفاع از بقای دموکراسی هرگونه امکان جنگ سیاسی مؤثر را [از رقیب] بگیریم... کشورهای دموکراتیک باید در جنگ سیاسی علیه رژیم تمامیت‌خواه شوروی، تهاجم خود را آغاز کنند و بر تهاجم خود مداومت داشته باشند... از قبل نمی‌توان پیش‌بینی کرد که این جنگ سیاسی چقدر موفقیت‌آمیز خواهد بود. اما قطعا هزینه راه‌اندازی آن برابر با قیمت ۶ بمب‌افکن خواهد بود». برای هوک کمیته آمریکایی در حکم یک بازوکا[1] در زرادخانه سیاسی آمریکا را داشت و او با شور و حرارت همیشگی خود برای تثبیت جایگاه آن تلاش می‌کرد.

پانوشت:

۱- نام یک سلاح جنگی، ضدتانک

نیازمندی های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		
۳۳۱۱۰۲۰۲	۳۳۱۱۰۲۰۸	۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب	
سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب	
شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
	۶۵۲۲۲۹۳۳
کرج	۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱
دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.

- واحد فنی: ۴ نفر مرد – با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد – با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ – ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا) توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا – لکسوس (بازار) ۳۳۹۹۰۰۱۷ – ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ به شماره پلاک ۸۳۹ ط ۵۲ ایران ۱۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۰ و شماره موتور ۱۵۰۹۰۰۱۳۶۰۲ و شماره شاسی NAAP۱۳FE۵BJ۴۵۸۴۵۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت خودرو پژو پارس XU۷ مدل ۱۳۹۸ رنگ خاکستری متالیک به شماره شهربانی ۶۸۲ ن ۹۳ ایران ۲۰ و شماره موتور ۱۲۴K۱۴۱۷۶۶۲ و شماره شاسی NAAN۰۱CE۶KH۲۲۵۱۴۹ به نام امیر حسین توحیدلو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتور سیکلت سیستم نامی -رنگ مشکی ۱۵۰ سی سی-مدل -۱۳۹۰ به شماره موتور۰۱۴۹NBE۹۳۰۸۴ و شماره شاسی NBEAKRKBFL۲ به شماره انتظامی ۵۶۸۳۳-ایران ۵۳۴ به نام مجید ونکی فراهانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.(اراک)

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۹۴ به شماره انتظامی ۳۲۱ ن ۶۷ - ایران ۴۱ به شماره موتور ۱۲۴K۰۶۴۱۹۸۳ و شماره شاسی ۲۱۰۳۰۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (بروجرد)

فقدان مدرک تحصیلی نوبت سوم
مدرک گواهی‌نامه موقت فارغ‌التحصیلی اینجانب پگاه ملک‌شاهی فرزند عطاالله به شماره شناسنامه ۳۳۸۰۳۸۰۹۵۴ در مقطع کارشناسی رشته ارتباط تصویری صادره از واحد دانشگاهی یزد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد ارسال نماید. (بندرعباس)

برگ سبز موتورسیکلت مگلی سفید مدل ۱۴۰۲ پلاک ۳۳۹۷۹ ایران ۱۵۵ شاسی N۳CMRJF۰۰PMH۰۲۳۸۰ موتور ۰۲۰۰N۳C۶۰۹۳۲۶ به نام محمد باقری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی موتورسیکلت آریا ناتک ۱۲۵CC مدل ۱۳۹۹ رنگ مشکی به شماره شهربانی ۹۸۷۵۳ ایران ۳۲۳ و شماره موتور ۰۱۲۵N۱U۶۰۸۸۷۶ و شماره تنه N۱UACBKDEL۱L۰۰۵۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز _سند ماشین سواری سیستم: پیکان تیپ: آ۱۶۰۰ مدل : ۱۳۸۲ رنگ: سفید شماره موتور: ۱۱۱۵۸۲۷۲۰۰۳ شماره شاسی: ۸۲۴۶۱۵۳۱ شماره پلاک ایران ۵۹ _ ۷۲۷ ص ۸۶ بنام فاطمه میرزائی با کد ملی ۲۱۱۰۹۱۲۳۱۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

برگ سبز خودرو سواری پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۱۶۹ج۲۶ ایران ۷۶ شماره موتور ۲۹۰۷۳۸۳ وشماره شاسی S۱۴۲۲۲۸۸۰۷۲۳۶۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.(لاهیجان)

خرید و فروش کلیه املاک
املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور- چمستان (۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید. ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

منطقه نور و چمستان
فروش چند واحد ویلا (باسند) همه قیمت موجود می‌باشد ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

بنایی و خدمات ساختمانی
تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

ایزوگام- قیرگونی آسفالت
۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳ ۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

آگهی‌های مفقودی
برگ سبز خودرو سواری هاچ‌بک سایپا QUIK-MT به شماره پلاک ۶۸۲ ی ۹۶- ایران ۱۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۹ و شماره موتور M۱۵۸۹۱۰۱۲۴ و شماره شاسی NASA۴۱۱۰۰L۱۰۴۷۵۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گواهی متراژ ۶ مترمربع و ۱۷ مترمربع به شماره ۸۸۱۱۴۹۰۱ به نام امیرحسین محمدی مربوط به پروژه چیتگر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سند سبز خودرو سواری پژو تیپ XU۷ ۴۰۵GLX به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۹۴ به شماره موتور ۱۲۴K۰۷۶۴۵۸۴ به شماره شاسی NAAM۰۱CE۵FK۵۱۰۹۹۴ به شماره پلاک ۲۳۲ ق ۸۳- ایران ۳۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز _سند ماشین سواری سیستم: پراید تیپ: صباجی.تی.ایکس مدل : ۱۳۸۱ رنگ: مشکی شماره موتور: ۰۰۴۰۶۸۲۲ شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۱۸۷۱۷۲۵ شماره پلاک ایران ۶۹ _ ۸۶۲ س ۸۸ بنام مهناز محمدی زاده با کد ملی ۲۲۶۹۹۴۷۰۲۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

برگ سبز (سند مالکیت) و سند کمپانی سواری پراید جی تی ایکس ای مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ۳۸۹ ی ۳۵ ایران ۲۳ و شماره موتور۲۱۷۲۷۹۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۳۹۸۵۸۱ به نام میلاد شهبازی به کد ملی ۱۱۶۰۲۹۷۹۳۲مفقود شده اعتبار ندارد .زرین شهر.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت اول)
دانشنامه دائم پایان تحصیلات اینجانب فاطمه هدایتی شالکوهی، به شماره ۳۷ ، فرزند محمدهادی ، به شماره شناسنامه ۱۳۰ در مقطع کارشناسی پیوسته رشته پرستاری از دانشگاه علوم پزشکی گیلان مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به نشانی استان گیلان ـ شهدای گمنام ـ جنب پارک دانشجو دانشگاه علوم پزشکی گیلان ارسال نماید.(رشت)

برگ سبز (سند مالکیت)وکارت شناسایی موتور سیکلت طپش هوندا مدل ۱۱۳۸۹ به شماره پلاک ۲۴۷۳۱ ایران ۶۱۹وشماره موتور ۳۰۱۰۳۲۱۵ و شماره شاسی ۸۹۰۴۲۵۵ به نام محمد سلیمیان ریزی به کد ملی ۱۱۷۱۲۳۸۰۴۵ مفقود شده اعتبار ندارد .زرین شهر.

تعداد ۱۲ عدد سیوسیلندر خارج از رده و بلا استفاده خط تولید ورق موجدار الیاف سیمان به بالاترین پیشنهاد بفروش میرسد. متقاضیان میتوانند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۸ بین ساعات ۱۰ الی ۱۵ با شماره زیر تماس بگیرند.
تلفن تماس ۸۸۸۳۵۴۹۰ – شرکت ایران پرسیت

آگهی دعوت سهامداران شرکت طرح و بناء صدر (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۷۷۵ وشناسه ملی ۱۰۶۶۰۰۶۲۳۲۴ به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران **شرکت طرح و بناء صدر (سهامی خاص)** دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ که راس ساعت ۱۰ صبح در محل اصلی شرکت برگزار می گردد حضور به هم رسانند.
دستورات جلسه به شرح زیر می باشد:
۱- انتخاب بازرسان
۲- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت
۳- سایر مواردی که در صلاحیت این مجمع می باشد.
هیئت مدیره

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۲۰/۰۰۰	۳/۵۱۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۱۶۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس:.....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

ویژه‌نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کاری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما